



## کتاب‌شناسی

# فن کتابت و کتاب‌ورزی و ترسل در زبان عربی (از آغاز تا قرن چهارم ق)

دکتر محمد خیر شیخ موسی ترجمه حسین علینقیان

درآمد

کتاب‌های اخبار نویسندگان و وزرا و مترسلین است که شامل بسیاری از آرا و احکام می‌شود یا کتب آداب کتابت و اصول صنعت کتابت و ادوات و علم کتابسازی است یا کتب نظری نقدی ای است که از فن کتابت و انواع و اسلوب‌های آن بحث می‌کنند یا کتب نقد تطبیقی است که مسائل برخی از نویسندگان را تحلیل نقد و بررسی می‌نمایند؛ اینها مهمترین این دست کتاب‌ها و از لحاظ کمیت کمترین آنها هستند به اضافه کتاب‌های نقدی ای که شامل شعر و کتابت و فنون ادبی و غیره می‌باشد و کتب جامع ادبیات که نویسندگان به کتابت و کتاب هم در آنها پرداخته اند.

### کتاب‌های تألیف یافته در فن کتابت و کتاب

پس از تتبع و بررسی این کتاب‌ها به لیست توصیفی آنها پرداخته و در آن، عنوان و اسامی مؤلفین را ذکر کرده ایم و به مطبوع یا مخطوط (خطی) بودن آنها اشاره می‌کنیم. همچنین پاره‌ای از متونی را که نشان‌دهنده برخی ویژگی‌ها و صفات عمومی آثار این نوشتار برگردان مقاله ای است با این مشخصات کتاب‌شناختی:

۱. الدكتور محمد خیر شیخ موسی، حركة التألیف فی الكتابة والکتاب ومصادر نقد الترسل والكتابة (حتى القرن الرابع الهجرى)، مجلة مجمع اللغة العربية بدمشق، المجلد ۷۲، الجزء ۳، صفر ۱۴۱۸ ق/ تموز (یولیو) ۱۹۹۷ م، ص ۴۸۱-۵۲۶.

۲-۴. الفهرست، ص ۱۳۱.

۵. البیان والتبیین، ج ۱، ص ۲۹۵.

۶. معجم الادباء، ج ۶، ص ۲۶۰.

از منابع در دسترس می‌توان دریافت که حرکت تألیف در موضوع فن کتابت و ترسل از اواخر عصر اموی آغاز شد و نامه عبدالحمید (۱۳۲ق) به نویسندگان، اولین اثر مدون و معروف در این زمینه به شمار می‌آید. سپس برخی از کتاب‌ها یا رسائل به این فن اختصاص یافت.

کتاب‌های زیادی در قرن سوم و چهارم در این زمینه تألیف یافت به طوری که آنها را می‌توان در چندین دسته تقسیم بندی نمود که کتب و دیوان‌ها یا مجموعه‌هایی که حاوی رسائل نویسندگان بوده و سپس رسائلی که در اواخر قرن عصر اموی جمع شد و در قالب کتاب‌های تخصصی به نگارش درآمد و این ندیم نیز به تعداد زیادی از آنها اشاره کرده در اولویت قرار دارند؛ از این دست می‌توان به مجموعه رسائل سالم<sup>۲</sup> در حدود یکصد ورقه و دیوان رسائل عبدالحمید در حدود هزار ورقه<sup>۳</sup> و کتاب رسائل غیلان دمشقی در حدود دو هزار ورقه<sup>۴</sup> - که جاحظ معتقد بوده از رسائل مشهوری است که بلغا از آن بهره‌های ادبی می‌برده اند<sup>۵</sup> - اشاره کرد؛ نیز دیوان رسائل صاحب بن عباد در ده مجلد<sup>۶</sup> از این دست به شمار می‌آید. این مجموعه‌ها مواد مفیدی را برای کتاب‌های تألیف یافته در این فن فراهم آوردند که به دلیل کثرت آنها و قلت ارزش نقدی آنها یادکردشان ضرور نخواهد بود.

اما دسته بعدی شامل مجموعه بزرگی از کتاب‌های گلچینی (جنگواره ای) است که معمولاً حاوی آرای نقدی و اخبار بوده یا

به او منسوب کرده، بیشتر درباره الفاظ و ادوات کتابت و اصطلاحات آن و نیز مسائل لغوی و نحوی است.<sup>۱۱</sup>

۴. اشراف الکتاب از هشتم بن عدی (۲۰۷ق). این کتاب چنان که از عنوانش پیداست ویژه دست اندرکاران امر کتابت یعنی پیامبران، پادشاهان، خلفا، امیران و مانند آنها که از نویسندگان برتر نیز بوده اند می باشد؛ محمد بن حبيب (۲۴۵ق) در کتاب المحبر، لیست مفصلی از این دست نویسندگان را در باب جداگانه ای ترتیب داده است.<sup>۱۲</sup>

۵. کتاب الالفاظ از العتابی کلثوم بن عمرو (۲۰۸ق).<sup>۱۳</sup> نویسنده از کبار نویسندگان و صاحب رسائل فخر بوده،<sup>۱۴</sup> چنان که جاحظ هم بر آن تأکید داشته و پاره ای از آرای مربوط به ترسل و کتابت و بلاغت را از عتابی نقل کرده است.<sup>۱۵</sup>

۶-۸. کتاب البلاغه و الخطب و کتاب الفخر و کتاب جامع الرسائل (در هشت جزء به اضافه جزء نهم به نام الکتاب الموصول که به شیوه منظوم نوشته است)<sup>۱۶</sup> اثر محمد بن عبدالله بن غالب الاصبهانی معروف به باح (۲۱۰ق).<sup>۱۷</sup>

۹-۱۲. رسائل النبی و کتاب اموال النبی و کتابه و کتاب کتب النبی الی الملوک و کتاب من کتب له النبی کتابا و أمانا از ابوالحسن المدائنی (۲۲۵ق).<sup>۱۸</sup>

۷. متن این رساله را نکر: الوزراء و الکتاب، ص ۴۷-۵۱؛ مقدمه ابن خلدون، ص ۴۳۹-۴۴۴؛ صبح الاحسن، ج ۱، ص ۸۵؛ رسالة البلغاء، ص ۱۷۰-۱۷۵؛ امراء البیان، ص ۷۷-۸۱.

۸. الوزراء و الکتاب، ص ۴۷.

۹. صبح الاحسن، ج ۱، ص ۸۵.

۱۰. الفهرست، ص ۷۳؛ معجم الادباء، ج ۱۳، ص ۱۱؛ هدیة العارفين، ذیل کشف الظنون، ج ۵، ص ۶۶۸. الاحمر همان علی بن حسن بغدادی نحوی است و از کسانی رؤاسی بهره علمی برده است. وفات وی در سال ۱۹۴ و بنا به گفته ای در سال ۲۰۴ق رخ داده ر. ک: تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۱۰۱؛ وفيات الاعیان، ج ۶، ص ۱۷۶؛ بغیة الوعاة، ج ۲، ص ۱۵۸.

۱۱. الفهرست، ص ۷۳؛ الوفيات، ج ۶، ص ۱۸۱؛ انباه الرواة، ج ۴، ص ۲۲؛ ایضاح المکتون، ذیل کشف الظنون، ج ۳، ص ۵؛ بروکلمان، ج ۲، ص ۱۹۹؛ صناعة الکتاب، ص ۶۵ و ۶۶ و ۱۰۳ و ۱۰۷ و ۱۴۱ و ۱۵۱ و ۱۸۸ و جاهای بسیار دیگر کتاب.

۱۲. الفهرست، ص ۱۱۲؛ المحبر، ص ۳۷۷ (اسماء اشراف الکتاب).

۱۳. معجم الادباء، ج ۱۷، ص ۲۹؛ الفهرست، ص ۱۳۹؛ طبقات الشعراء المحدثین، ص ۲۶۱-۲۶۳.

۱۴. البیان والتبيين، ج ۱، ص ۵۱ و ۱۱۳ و ۱۱۶ و ۱۶۲ و ۲۲۰.

۱۵. همان، ج ۱، ص ۵۱ و ۱۱۳ و ۱۱۶ و ۱۶۱ و ۱۶۲ و ۲۲۰.

۱۶. الفهرست، ص ۱۵۱.

۱۷. الفهرست، ص ۱۵۱؛ هدیة العارفين، ج ۶، ص ۲۶.

۱۸. الفهرست، ص ۱۱۳ و ۱۱۴؛ معجم الادباء، ج ۱۴، ص ۱۲۹ و ۱۳۰؛ هدیة العارفين، ج ۵، ص ۶۷۰؛ بروکلمان، ج ۳، ص ۳۸.

مفقود در این زمینه اند آورده ایم. ماحصل این تحقیق، احصای بیش از یکصد کتاب تخصصی در فن کتابت و ترسل است که طی دو قرن سوم و چهارم تألیف یافته اند، به اضافه برخی از آثاری که ظاهراً به این فن اهتمام ورزیده اند. شیوه ارائه این کتاب ها به ترتیب تاریخی خواهد بود تا امکان بررسی سیر تطور تألیفی در این فن و نقد و بررسی این آثار فراهم آید و بیانگر میزان اهتمام به این فن باشد.

۱. رسالة عبدالحمید بن یحیی الی الکتاب<sup>۱۹</sup> (۱۳۲ق، مطبوع). این اثر، قدیم ترین اثر مدونی است که به کتابت و کتاب پرداخته و به طور کامل به دست ما رسیده است که در حدود پنج صفحه نوشته شده و در آن از موضوعاتی چون برتری و شرافت صنعت کتابت، ادوات و آداب کتابت، ویژگی ها و اوصاف اخلاقی اصحاب آن و بایسته های رایج همچو همیاری و معاضدت و همدلی بین اصحاب این صنعت و غیره سخن به میان آمده است. این اثر به عنوان قانون نامه نویسندگان مطرح شد و به منبع مهمی برای آثاری تبدیل گردید که در صنعت کتابت و آداب آن به نگارش درآمدند، جهشیاری در مقدمه آن آورده: «به خط میمون بن هرون، کتابی از عبدالحمید یافتم که در آن برای نویسندگان به تفصیل سخن آورده است و حتی اجازه اسقاط برخی از آن را نداده بود، لذا همه آن را با همان تفصیل کتابت کردم چه نویسنده از مانند آن بی نیاز نمی شود».<sup>۸</sup> قلقتندی نیز رساله نامه عبدالحمید را پایه و اساس آداب کتابت برشمرده و گفته «اصل آداب مربوط به کتابت و سرچشمه ای که همه این آداب از آن می خروشد، رسالة عبدالحمید است».<sup>۹</sup>

۲. کتاب یقین البلغاء از علی بن الحسن الاحمر (۱۹۴ق). ابن ندیم به همین نام از آن یاد کرده و برخی مؤلفین با عنوان تقنین البلغاء از آن یاد کرده اند.<sup>۱۰</sup>

۳. آلة الکتاب از الفراء (۲۰۷ق). این اثر از کتاب هایی است که صنعت کتابت و ادوات و آداب آن را چنان که از عنوانش برمی آید بررسی کرده است. ترجیحاً عمده توجه مؤلف به لغت و نحو بوده، زیرا فراء در این دو علم، تخصص داشته و رویکرد او در تألیفات مشهورش به سمت این دو علم بوده است. همچنین برخی آرای که ابوجعفر نحاس (۳۳۷هـ) در کتاب صناعة الکتاب

۱۳. کتاب الفصول فی الرسائل المختارة از الیوسفی (حدود ۲۳۸ق). صاحب هدیه العارفین این کتاب را سر الفصول فی الرسائل نامیده است. این کتاب چنان که از عنوان برمی آید از کتب گلچین (جنگواره) است.<sup>۱۹</sup>

۱۴ و ۱۵. کتاب الالفاظ از ابن السکیت (۲۴۴ق، مطبوع). این اثر از اولین آثار تألیف یافته در الفاظ نویسنده است و تمام و کمال به دست ما رسیده است. چاپ این اثر زیر نظر «الویس شیخو» در سال ۱۸۹۵ در بیروت به انجام رسیده است. وی در حواشی این چاپ، شرح تبریزی به نام تهذیب الالفاظ و پاره‌ای زیادات تبریزی را نیز بر آن اضافه کرده است و کتاب را «کنز الحفاظ» نامگذاری نموده است، سپس همان متن را با زیادات تبریزی با عنوان مختصر تهذیب الالفاظ در سال ۱۸۹۷ در بیروت به چاپ رسانید. کتاب بر حسب باب‌های موضوعی مرتب شده و شامل ۱۴۸ باب می‌شود، همچو باب غنی و فقر، خصب و جذب، مرض، الوان، عطا و ... ابن قتیبه (۲۷۶ق) در ادب الکاتب از این کتاب بهره‌های فراوان برده و بیشترین ابواب آن کتاب را به کتاب خودش ملحق نموده، اما اشاره‌ای به این مطلب ننموده است. عبدالرحمن همدانی نیز همان کار ابن قتیبه را در کتابش انجام داده است.<sup>۲۰</sup>

۱۶. کتاب الرسائل از ابوالعبیر الهاشمی (۲۵۰ق).<sup>۲۱</sup>  
۱۷ و ۱۸. کتاب اخبار الکاتب و کتاب الرسائل از داوود بن الجراح الکاتب (۲۵۲ق).<sup>۲۲</sup>  
۱۹ و ۲۰. رساله فی مدح اخلاق الکاتب و رساله فی ذم اخلاق الکاتب (مطبوع)، اثر جاحظ (۲۵۵ق). ۲۳ رساله دوم جاحظ که به دست ما رسیده تاکنون چندین بار چاپ شده<sup>۲۴</sup> و در ۲۳ صفحه قرار دارد. در این رساله از ناملایمات نویسندگان عصر خود و از ویژگی‌هایی چون لاف زدن، تکبر، بزرگ بینی، قلت امانت داری و وفای آنها بحث کرده است ...<sup>۲۵</sup>

۲۱. کتاب القلم و شرف الکتابه از ابن ابی الاصبغ (حدود ۲۵۵ق).<sup>۲۶</sup> ابن ندیم آن را دارای حدود پنجاه صفحه دانسته است.  
۲۲. کتاب القلم و ماجاء فیه از احمد بن ابی السرح الکاتب (حدود ۲۵۸ق).<sup>۲۷</sup>

۲۳. رساله فی رسم رفاع الی الخلفاء و الوزراء از الکندی فیلسوف (حدود ۲۶۰ق).<sup>۲۸</sup>

۲۴. کتاب فقر البلغاء از ابن سعد القطربلی (۲۶۱ق).<sup>۲۹</sup> این کتاب چنان که از عنوانش برمی آید از کتب گلچین است.

۲۵. کتاب الکاتب از عمر بن شبة (۲۶۲ق). چنان که از روش ابن شبة در کتاب‌ها و آثارش برمی آید این کتاب به احتمال شامل اخبار نویسندگان می‌باشد.<sup>۳۰</sup>

۲۶. کتاب البلاغة والخطابة از ابوالعباس جعفر بن احمد المرزوی (حدود ۲۷۴ق).<sup>۳۱</sup>

۱۹. الفهرست، ص ۱۳۷؛ هدیه العارفین، ج ۶، ص ۱۳.  
۲۰. مختصر تهذیب الالفاظ (مقدمه محقق)، ص ۴؛ نیز بنگرید به مقدمه مصحح اصلاح المنطق، ص ۱۱. ابویوسف یعقوب بن اسحاق معروف به ابن سکیت (۱۸۶-۲۴۴ق) از اکابر علمای لغت و نحو بوده، از ابوعمرو شیبانی و فراء و ابن اعرابی و غیره اخذ علم کرده و معلم فرزندان متوکل بوده است. وی دارای آثار زیادی است که از جمله آنها القلب والابدال والاضداد و اصلاح المنطق والالفاظ به چاپ رسیده است. ر. ک: الفهرست، ص ۷۹؛ تاریخ بغداد، ج ۱۴، ص ۲۷۳؛ انباه الرواة، ج ۴، ص ۵۰؛ الوفيات، ج ۶، ص ۳۹۵.

۲۱. الفهرست، ص ۱۷۰؛ هدیه العارفین، ج ۶، ص ۱۵.  
۲۲. الفهرست، ص ۱۴۲؛ هدیه العارفین، ج ۵، ص ۳۹۵.  
۲۳. الفهرست، ص ۲۱۱.  
۲۴. رسائل الجاحظ، ج ۲، ص ۱۸۷-۲۰۹ (چاپ هارون)؛ ثلاث رسائل للجاحظ (یوشع فنکل)، ص ۴۰-۵۲؛ آثار الجاحظ (عمر ابونصر)، ص ۵۱-۶۵.  
۲۵. پاره‌ای از جزئیات این مقاله که حاوی اطلاعات دقیق کتاب‌شناختی نبود برگردان نشده است که این محذوفات با علامت نقطه چین در ترجمه مشخص شده است (مترجم).

۲۶. الفهرست، ص ۱۴۱. در هدیه العارفین (ج ۵، ص ۴۸) از این کتاب با نام العلم و شرف الکتابه یاد شده که البته تصحیف شده است. ابن ابی الاصبغ همان ابوالعباس احمد بن محمد است که از کتاب معتمد عباسی و اهل دربار وی بوده است. صاحب هدیه وفات او را سال ۲۵۵ق دانسته، اما من در وقایع سال ۲۶۲ق در الوفيات (ج ۶، ص ۴۱۹) نام او را دیده‌ام، چنان که باقوت هم در معجم الادباء (ج ۳، ص ۵۴) در ضمن اخبار احمد بن سلیمان بن وهب (۲۸۳ق) از او یاد کرده و از ابن وهب نامه‌ای خطاب به او روایت شده است.

۲۷. الفهرست، ص ۱۴۱؛ هدیه العارفین، ج ۵، ص ۴۹. در هدیه به نام کتاب المعلم آمده و بروکلمان (ج ۳، ص ۱۲۸) نیز همین عنوان را ذکر نموده است.  
۲۸. الفهرست، ص ۲۱۶. کندی ابویوسف یعقوب بن اسحاق بن صباح، فیلسوف عرب که در علوم مختلف دستی داشته و کتب بسیار زیادی در هر یک از آنها تألیف کرده است. ر. ک: الفهرست، ص ۳۱۵-۳۲۰؛ تاریخ حکماء الاسلام، ص ۴۱؛ بروکلمان، ج ۴، ص ۱۲۷، در این کتاب تاریخ وفات کندی ۲۵۶ق درج شده؛ الاعلام، ج ۸، ص ۱۹۵.

۲۹. الفهرست، ص ۱۳۸؛ هدیه العارفین، ج ۵، ص ۵۰. القطربلی ابوالحسن احمد بن عبدالله بن حسین بن سعید بن مسعود از نویسندگان عالم و از افضل آنها بوده است و در تاریخ و منطق و کتاب دارای تألیفات (۲۶۱ق).

۳۰. الفهرست، ص ۱۲۵؛ معجم الادباء، ج ۱۶، ص ۶۱.  
۳۱. الفهرست، ص ۱۶۷؛ هدیه العارفین، ج ۵، ص ۲۵۲؛ معجم الادباء، ج ۷، ص ۱۵۱.

۴۰. الرسالة العذراء (مطبوع) از ابراهیم بن المدبر<sup>۴۷</sup>

۳۲. این کتاب بارها به چاپ رسیده است؛ اولین چاپ آن در لیدن (۱۹۰۰م) با نظارت [ماکس] گرونت و آخرین آن در بیروت (۱۹۸۲) به دست دکتر محمد دالی.

۳۳. الفهرست، ص ۸۶؛ هدیة العارفين، ج ۵، ص ۴۴۱.  
۳۴ و ۳۵. این دو کتاب را سید صقر در مقدمه تاویل مختلف القرآن (ص ۲۲) از برخی منابع ذکر کرده است. شاید این دو کتاب همان دیوان کتابی است که ابن ندیم و دیگر مقدمین از آن یاد کرده اند.

۳۶. ابن منظور در لسان العرب، ج ۱۳، ص ۱۴۳ (چاپ یولاق) و ج ۱۱، ص ۲۲۰ (صادر) ذیل مدخل خلل از این کتاب یاد کرده است.

۳۷. ادب الکاتب، ص ۱-۱۶.

۳۸. نگر: بروکلان، ج ۲، ص ۲۲۶؛ مقدمه مصحح تاویل مختلف القرآن، ص ۲۲؛ مقدمه عیون الاخبار، ج ۱، ص ۳۲ و ۳۳.

۳۹. الفهرست، ص ۸۹؛ صناعة الکاتب، ص ۳۵؛ معجم الادباء، ج ۱۷، ص ۱۳۹؛ تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۳۳۵؛ انبیه الرواة، ج ۳، ص ۵۹؛ الاهلام، ج ۵، ص ۳۰۸. ابن کيسان محمد بن احمد بن ابراهیم ابو حسن نحوی است و از میرد و ثعلب اخذ علم کرد و به سال ۲۹۹ق و بنا به گفته ای ۳۲۰ق وفات یافت.

۴۰. انبیه الرواة، ج ۲، ص ۱۶۰؛ هدیة العارفين، ج ۵، ص ۵۱۳؛ از کتاب شرح ادب الکاتب تعدادی نسخه خطی موجود است که بروکلان، ج ۲، ص ۲۲۶ و سید صقر در مقدمه تاویل مختلف القرآن از آن یاد کرده اند. زجاجی همان ابوالقاسم عبدالرحمن بن اسحق نحوی است از شاگردان زجاج در نهاوند زاییده شد و در بغداد درس آموخت به شام سفر کرد و در طبریه به سال ۳۳۷ق درگذشت.

۴۱. هدیة العارفين، ج ۵، ص ۶۲؛ مقدمه عیون الاخبار، ج ۱، ص ۳۳. خارزنجی احمد بن محمد بستی از ائمه اهل ادب خراسان بوده است؛ در سال ۳۳۰ق به قصد حج به بغداد رفت و اسنادان عراق به تقدم او اعتراف کردند. وفات او در سال ۳۴۸ق رخ داده، اما بروکلان سال وفات او را ۴۰۸ق ذکر کرده، نیز بنگرید به انبیه الرواة، ج ۱، ص ۱۴۲-۱۴۸.

۴۲. هدیة العارفين، ج ۵، ص ۱۹۹؛ مقدمه تاویل مختلف القرآن، ص ۲۲؛ مقدمه عیون الاخبار، ج ۱، ص ۳۲.

۴۳. هدیة العارفين، ج ۵، ص ۳۹۶؛  
۴۴. از این کتاب تعدادی نسخه خطی موجود است و بروکلان، ج ۲، ص ۱۲۶ به آنها اشاره کرده است. عبدالباقی بن محمد نحوی از اهالی بغداد بوده از تألیفات او شرح حروف العطف و ... است. ر. ک: هدیة العارفين، ج ۵، ص ۴۹۹.

۴۵. این کتاب بارها به چاپ رسیده است. شاید اولین چاپ آن در بیروت (۱۹۰۰م) با نظارت عبدالله بستانی و آخرین آن در بیروت به سال ۱۹۸۷ صورت گرفته است. ابن سید بظلیوسی ابو محمد عبدالله بن محمد از کبار دانشمندان نحو و لغت و ادبیات در اندلس بوده است. ر. ک: انبیه الرواة، ج ۲، ص ۱۴۱-۱۴۳؛ بغیة الملتس، ص ۳۳۷.

۴۶. الفهرست، ص ۱۴۴؛ معجم الادباء، ج ۴، ص ۱۴۶؛ هدیة العارفين، ج ۵، ص ۵۱.

۴۷. ابراهیم بن محمد بن مدبر ابواسحق از وزرا و نویسندگان شاعر بوده و متولی خراج فلسطین برای دربار مهندی بوده و سپس به پست وزارت می رسد و با جاحظ همنشین بوده و بین آنها مکاتباتی صورت گرفته است. ر. ک: الفهرست، ص ۱۳۷؛ معجم الادباء، ج ۱، ص ۲۲۶.

۲۷-۳۸. ادب الکاتب (مطبوع)<sup>۳۲</sup> و دیوان الکاتب<sup>۳۳</sup> و آله الکاتب<sup>۳۴</sup> و صناعة الکتابه<sup>۳۵</sup> و الوزراء<sup>۳۶</sup> از ابن قتیبة (۲۷۶ق). از این کتاب ها فقط ادب الکاتب به ما رسیده است.

این کتاب را مؤلف برای وزیر وقت ابن خاقان نگاشته و مقدمه طویلی بر آن نوشته است.<sup>۳۷</sup> در این کتاب از انگیزه های تألیف و نیز ناهنجاری های رایج در بین نویسندگان عصر خویش همچو دوری از ادب و معرفت و تعلیم و عدم شناخت اصول کتابت سخن رانده است. همچنین پیرامون فرهنگ کتابت از ویژگی ها و شمایل و اخلاق او مفصل بحث کرده و کمی در مورد اسالیب ترسل و آداب و رسوم مکاتبات، سخن به میان آورده است.

آن گاه کتابش را به چهار بخش یا کتاب تقسیم بندی کرده شامل: کتاب المعرفة، کتاب تقویم الید، کتاب تقویم اللسان و کتاب الابنية. نیز برای هر کتاب، باب هایی را اختصاص داده است.

در این راستا رویکرد کلی مؤلف بیشتر متوجه علم لغت می باشد ... این کتاب در گذر عصور مختلف، مورد توجه فراوان مؤلفین و محققین بوده است و در رد آن و برشماری کثری ها و کاستی ها و شرح خطبه یا ابیات آن و احیاناً شرح کامل و تلخیص آن، کتاب های زیادی به نگارش درآمده است.<sup>۳۸</sup>

شاید از قدیم ترین این کتاب ها کتاب غلط ادب الکاتب<sup>۳۹</sup> ابن کيسان (۲۹۹ق) و شرح ادب الکاتب زجاجی<sup>۴۰</sup> (۳۳۷ق) و شرح خطبه ادب الکاتب<sup>۴۱</sup> خارزنجی (۳۴۸ق) و شرح ادب الکاتب فارابی<sup>۴۲</sup> (۳۵۰ق) و شرح ادب الکاتب<sup>۴۳</sup> زهراوی (حدود ۳۵۰ق) و شرح خطبه ادب الکاتب<sup>۴۴</sup> عبدالباقی بن محمد (۳۹۰ق) باشد.

پس از قرن چهارم کتاب های زیاد دیگری مشابه کتاب های یاد شده درباره کتاب ادب الکاتب نگاشته شد که احتمالاً مهمترین و مشهورترین آنها را بتوان کتاب الاقتضاب فی شرح ادب الکاتب<sup>۴۵</sup> اثر ابن سید بظلیوسی (۵۲۱هـ) نام برد که شامل سه بخش می شود: در شرح خطبه؛ شامل برشمردن اغلاط کتاب؛ شرح ابیات.

۳۹. رسالة فی الکتابة والخط از ابوالعباس احمد بن ثوابه الکاتب (۲۷۷ق).<sup>۴۶</sup>

(۲۷۹ق). از رسائلی است که به ما رسیده است. دکتر زکی مبارک در سال ۱۹۳۱م تصحیح و انتشار آن را به انجام رسانده است. رساله در حدود بیست صفحه (چهل و چهار صفحه با حواشی و شرح و تعلیقات) است. مؤلف در آغاز آن، روش خود را بیان داشته است... آن گاه از فرهنگ کاتب و از معارف دینی، لغوی، ادبی و مانند آن سخن رانده است که هر نویسنده‌ای به فراگیری آن نیاز دارد، در ادامه از صفات و ویژگی‌ها و خلق و خوی نویسنده سخن گفته و در پی از اصول فن‌نثرنگاری و قواعد و آداب آن بحث کرده است و در اثنای آن به برخی جوانب نقدی و بلاغی می‌پردازد و پاره‌ای از آرای شایع بلاغی را رد کرده و در این ارتباط و دیگر موضوعات از رساله عبدالحمید و ادب الکاتب ابن قتیبه و به ویژه بیان جاحظ بهره برده است؛ در خاتمه آورده: «این رساله بکر است، زیرا مفاهیم آن بکر است و بلاغت سخنوران نتوانسته بکری معانی آن را ضایع سازد. دست‌های خبرگان به آن نرسیده است و هوشمندی متکلمین به پایه آن نرسیده و اذهان و افکار ناطقین و سخنرانان از الفاظ آن فراتر نرفته‌اند».<sup>۴۸</sup>

برخی از محققین از این گونه سخن، تحت تأثیر قرار گرفته‌اند، مثلاً بروکلیمان معتقد شده است که «ابن مدبر اولین فردی است که در صناعت/ فن نثر، کتاب نوشت»<sup>۴۹</sup> و به دنبال او برخی مؤلفین نیز همین عقیده را پذیرفتند،<sup>۵۰</sup> در حالی که کمی قبل به تعداد زیادی از کتب تألیف یافته در فن نثر و کتابت اشاره کردیم که قبل از ابن مدبر به نگارش درآمده بودند.

۴۱. المنظوم والمنثور از ابن ابی طاهر طیفور (۲۸۰ق). ابن ندیم و دیگران گفته‌اند این کتاب شامل چهارده بخش است و آنچه در دست مردم متداول بوده سیزده بخش بوده<sup>۵۱</sup> که جز سه بخش آخر آن چیزی به ما نرسیده است. این سه بخش شامل بلاغات زنان،<sup>۵۲</sup> قصائد و رسائلی - که مانند آن یافت نشده - و فصول گزیده‌ای از موضوعات پراکنده می‌باشد. گویاست این کتاب از کتب گلچین و نقد و شعر و نثر می‌باشد و برخی از رسائل امویان و عباسیان را دربر دارد.<sup>۵۳</sup> مؤلف شیوه خاصی را در تألیف کتاب رعایت کرده است...

۴۲. کتاب دیوان الرسائل یا کتاب الرسائل اثر المرثدی (۲۸۶ق).<sup>۵۴</sup>

۴۳. کتاب آله الکتاب از المفضل بن سلمه (۲۹۰ق).<sup>۵۵</sup>

۴۴. طبقات الکتاب از ابوعلی الانباری معروف به نطاحه (۲۹۰ق).<sup>۵۶</sup>

۴۵. کتاب مختصر ما يستعمله الکتاب از ابن هبيرة النحوی معروف به صعودا (۲۹۵ق).<sup>۵۷</sup>

۴۶. کتاب مکاتبة الاخوان بالشعر، اثر ابن المعتز (۲۹۶ق).<sup>۵۸</sup>
۴۷. کتاب الوزراء، اثر محمد بن داود بن الجراح (۲۹۶ق).<sup>۵۹</sup>
۴۸. کتاب مصابیح الکتاب، اثر محمد بن کیسان (۲۹۹ق)، صاحب کتاب غلط ادب الکاتب که ذکرش در اثنای سخن درباره کتاب ادب الکاتب ابن قتیبه رفت.<sup>۶۰</sup>
۴۹. کتاب البراعه و الفصاحة، اثر عبيدالله بن عبدالله بن طاهر (۳۰۰ق).<sup>۶۱</sup>

۴۸. الفهرست، ص ۴۸.
۴۹. تاریخ الادب العربی، ج ۲، ص ۱۱۷.
۵۰. العصر المباسی الثاني (شوقی ضیف)، ص ۱۲۱.
۵۱. الفهرست، ص ۱۶۳؛ هدیة العارفین، ج ۵، ص ۵۲؛ معجم الادباء، ج ۳، ص ۹؛ بروکلیمان، ج ۳، ص ۲۷ و ۲۸؛ سزگین، ۱/۲/۱۵.
۵۲. جزء یازدهم در قاهره (۱۹۰۸) به تصحیح احمد الفی با عنوان بلاغات النساء به چاپ رسید. دکتر محسن غیاض القصائد المفردات التي لامثیل لها را در بیروت (۱۹۷۷) به دست چاپ سپرد و مابقی رسائل در کتاب رسائل البلغاء اثر محمد کرد علی و جهمرة رسائل العرب صفوت، انتشار یافته‌اند.
۵۳. جهمرة رسائل العرب، ج ۲، مقدمه.
۵۴. الفهرست، ص ۱۴۳؛ هدیة العارفین، ج ۵، ص ۵۲.
۵۵. الفهرست، ص ۸۰؛ ایضاح المکنون، ج ۳، ص ۵؛ انباه الرواة، ج ۳، ص ۳۰۶. در این منبع، کتاب یاد شده با عنوان آله الکاتب یا ما یحتاج الیه الکاتب آمده است. صاحب و فیات (ج ۴، ص ۲۰۶) نیز فقط به اسم (کتاب ما یحتاج الیه الکاتب) اکتفا کرده است. مفضل بن عاصم ضبی ابوطالب نحوی کوفی از تلامیذ ابن سکیت و ابن اعرابی بوده است. نیز ر. ک: بروکلیمان، ج ۲، ص ۲۰۹.
۵۶. الفهرست، ص ۱۳۸؛ معجم الادباء، ج ۲، ص ۲۲۷؛ هدیة العارفین، ج ۵، ص ۵۳.
۵۷. الفهرست، ص ۸۰؛ انباه الرواة، ج ۲، ص ۸۵؛ هدیة العارفین، ج ۶، ص ۲۲.
۵۸. الفهرست، ص ۱۳۰؛ الوفیات، ج ۳، ص ۷۷؛ هدیة العارفین، ج ۵، ص ۴۴۳.
۵۹. الفهرست، ص ۱۴۲؛ الوفیات، ج ۱، ص ۴۲۷؛ معجم الادباء، ج ۱۷، ص ۱۳۹؛ هدیة العارفین، ج ۶، ص ۲۲؛ بروکلیمان، ج ۳، ص ۶۶؛ الاعلام، ج ۶، ص ۱۲۰.
۶۰. الفهرست، ص ۸۹؛ معجم الادباء، ج ۱۷، ص ۱۳۹؛ تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۳۳۵؛ انباه الرواة، ج ۳، ص ۵۹؛ هدیة العارفین، ج ۶، ص ۲۳.
۶۱. الفهرست، ص ۱۳۱؛ الوفیات، ج ۳، ص ۱۲۳.

نویسندگان به سمت و سوی درستی و راستی و نیز پرداختن به اسالیب نویسندگان و مترسلین آن روزگار است ... مؤلف این مقدمه انتقادی مهم را با اشاره به اهمیت شناخت نویسنده از آداب مکاتبات و اصول ارتباطات پایان برده است ...

نویسندگانی به این کتاب علاقه زیادی نشان دادند به حدی که به اطلاعات آن اکتفا کرده و از تحقیق، تحصیل و پیگیری و مداومت در کاری نیاز شدند. همین امر موجب اعتراض و خشم برخی از نویسندگان و ناقدان گردید مثلاً صاحب بن عباد در این باره آورده: «اگر دستم به همدانی می رسید همانا دستور می دادم دست و زبانش را قطع کنند، زیرا او پراکنده های ادبی را در اورا قی چند فراهم آورده و آنها را در دهان کودکان مکاتب ضایع ساخته و رنج تحقیق و حفظ را از دوش متعلمین و جویندگان ادبیات برداشته است»<sup>۶۹</sup>. این در حالی است که قفطی در تقریب بر کتاب همدانی چنین آورده است: «الفاظ این کتاب از الفاظ گلچین زبانی است یعنی همان بهترین هایی که نویسندگان باید استعمال کنند و جماعتی از نویسندگان آن را شرح و توضیح داده اند»<sup>۷۰</sup>.

۵۶. ادب الکتاب از ابن درید (۳۲۱ق). این کتاب را ابن درید به سبک و سیاق کتاب ابن قتیبه نگاشته و چیزی افزون بر آن کتاب نیاورده است.<sup>۷۱</sup>

۵۷-۵۹. کتاب فضل صناعة الكتابة و کتاب منیة الکتاب و کتاب رسوم الکتب از ابوزید البلخی (۳۲۲ق).<sup>۷۲</sup>  
۶۰ و ۶۱. کتاب الدواوین و کتاب الرسائل از ابن ابی عون الانباری (۳۲۲ق).<sup>۷۳</sup>

۶۲. الفهرست، ص ۱۵۲؛ هدیه العارفین، ج ۶، ص ۲۷؛ ابضاح المکتون، ج ۴، ص ۳۰۸.

۶۳. کتاب الالفاظ (نسخه خطی)، ق ۲/آ.

۶۴. همان، ق ۱۰/آ.

۶۵. جملوة المقنبس، ص ۸۸؛ انباه الرواة، ج ۳، ص ۲۱۶؛ هدیه العارفین، ج ۶، ص ۲۵؛ سزگین، ۲۹/۵/۲.

۶۶. الفهرست، ص ۱۴۵؛ هدیه العارفین، ج ۵، ص ۷۵.

۶۷. الفهرست، ص ۱۶۶؛ هدیه العارفین، ج ۵، ص ۵۸.

۶۸. و همدانی همان عبدالرحمن بن عیسی الهمدانی، کتاب بکرین ابی دلف و شاعری نویسنده بوده است. ر. ک: الفهرست، ص ۱۵۲؛ انباه الرواة، ج ۲، ص ۱۶۶.

۶۹. الالفاظ الکتابیة، ص ب.

۷۰. انباه الرواة، ج ۲، ص ۱۶۶.

۷۱. الفهرست، ص ۶۷؛ انباه الرواة، ج ۳، ص ۹۷؛ الکشف، ج ۱، ص ۴۸؛ الوقیات، ج ۴، ص ۳۲۹، ۳۲۳.

۷۲. الفهرست، ص ۱۵۳؛ معجم الادباء، ج ۳، ص ۶۶؛ هدیه العارفین، ج ۵، ص ۵۹.

۷۳. الفهرست، ص ۱۶۴؛ هدیه العارفین، ج ۵، ص ۵؛ الوقیات، ج ۲، ص ۱۵۶.

۵۰. کتاب المنتهی فی الکمال (مخطوط)، اثر محمد بن سهل بن المرزبان (پس از ۳۰۰ق). این کتاب از آثار حجیمی است که سه شیوه گلچین، نقد و تعلیم را با هم در آمیخته است و شامل دوازده جزء یا کتاب می شود، بدین قرار: کتاب مدح ادب، کتاب ویژگی بلاغت، کتاب دعا و ستایش ها، کتاب شوق و فراق، کتاب شوق برای وطن ها، کتاب تهنیت ها و تعزیت ها، کتاب آروزمند و آرزو شونده، کتاب برترین حکمت ها.<sup>۶۲</sup>

در ضمن دست نوشته های کتابخانه ظاهریه دمشق می توان به کتاب یازدهم به شماره ۱۸۶۰۰ دست یافت. این کتاب طبق سنت مؤلفین در الفاظ کتابت، نگاشته شده است، در آغاز آن آمده: «در این کتاب، فنون مختلف را جمع آوری کرده ایم و در موضوعات گوناگون، سخن رانده ایم و فصول یکسانی را ترتیب داده ایم و مطالب پراکنده را نظم داده و الفاظ و معانی مختلف و متفق را سامان داده ایم».<sup>۶۳</sup>

سپس باب هایی را تقسیم بندی کرده و ضمن هر یک از باب ها، تعابیر و مفاهیم کتابت را براساس اهداف نثرنگاری وارد کرده است. از جمله آنچه در این باب ها آمده، پیرامون معنای تشوق در نامه های دوستانه است که چنین آورده: «کتابی و قد استقرت بی الدار والقیة عصا الاسفرار و تبوات طمأنينة القرار ...».<sup>۶۴</sup>

۵۱. کتاب طبقات الکتاب بالاندلس از الافشین النحوی الاندلسی (۳۰۷ق).<sup>۶۵</sup>

۵۲ و ۵۳. کتاب امتحان الکتاب و دیوان ذوی الالباب، و کتاب الرسائل از ابن حمادة الکاتب (۳۱۰ق).<sup>۶۶</sup>

۵۴. کتاب الزیادات فی اخبار الوزراء، اثر ابن عمار الثقفی الکاتب (۳۱۹ق).<sup>۶۷</sup> این کتاب در حقیقت تتمیم کتاب الوزراء ابن جراح است.

۵۵. الالفاظ الکتابیة (مطبوع) از عبدالرحمن بن عیسی الهمدانی (۳۲۰ق).<sup>۶۸</sup> این کتاب به دست ما رسیده و تحقیق و انتشار آن صورت گرفته است. این کتاب شامل مقدمه ای در برتری صناعت کتابت و نیز کوناهای نویسندگان همروزگار مؤلف نسبت به فرهنگ و علم کتابت و عدم شناخت آنها از اصول و اسالیب این فن و ندرت ناقدان این صنعت و ارشاد

۶۲. کتاب الوزراء از ابراهیم بن محمد معروف به نفظویه (۳۲۳ق). ۷۴

۶۳. اخبار قدماء البلغاء از ابن ابی الازهر البوسنجی (۳۲۵ق). ۷۵

۶۴. ادب الکتاب از ابوبکر محمد بن القاسم الانباری (۳۲۸ق). ابن ندیم معتقد است که کتاب ناتمام مانده است. ۷۶

۶۵. رساله فی اسماء بلغاء الکتاب و انواع المکاتبات از وزیر ابوعلی بن مقله (۳۲۸ق). ابن ندیم اسامی برخی کتاب‌ها را از این رساله نقل کرده است. ۷۷

۶۶. آئین مثالات کتب العهود للخلفاء والامراء از وزیر الجیهانی (۳۳۰ق). چنان‌که از عنوانش برمی‌آید از کتب آموزشی است. رساله‌ای مشابه با آن از کندی در شماره ۲۲ معرفی شد.

۶۷. کتاب مراسلات الاخوان و محاورات الخلان از علی بن مهدی کسروی (۳۳۰ق). ۷۹

۶۸ و ۶۹. رساله الفرق بین المترسل و الشعاع و کتاب الرسائل السلطانیات والاخوانیات از سنان بن ثابت بن قرة (۳۳۱ق). ۸۰

۷۰. الوزراء و الکتاب، اثر الجهشیاری (۳۳۱ق). از کتاب‌هایی است که به دست ما رسیده است. تعدادی از اساتید تحقیق و انتشار آن را در سال ۱۹۳۸ م به انجام رسانیدند. این کتاب از مهمترین آثار است که به تاریخ کتابت عربی و دیوان‌ها و اخبار نویسندگان وزرا و متوسلین از زمان پیامبر (ص) تا خلافت مأمون پرداخته است. در این اثر به اسامی برخی از کتاب‌ها و رسائل آنها اشاره شده و پاره‌ای از آرای نقدی در کتابت و کتاب ارائه نموده به تاریخ دیوان‌های پارسیان اشاره مختصری شده است. ۸۱

۷۱. کتاب الکتاب و الصناعة (مطبوع) از ابن زنجی محمد بن اسماعیل الکاتب (۳۳۴ق). ۸۲

۷۲. کتاب الکتاب و سياسة المملكة از وزیر علی بن عیسی (۳۳۴ق). ۸۳

۷۳ و ۷۴. ادب الکتاب و کتاب الوزراء، اثر ابوبکر الصولی (۳۳۵ق). ۸۴ کتاب اول به ما رسیده است. تحقیق، تصحیح و انتشار آن را استاد محمد بهجة الاثری در قاهره به سال ۱۳۴۱ ق/ ۱۹۲۲ م به انجام رسانیده است. کتاب شامل سه بخش است و هر بخش شامل تعدادی باب. در آغاز از برتری و فضل صنعت کتابت سخن رفته و مباحثی در باب تاریخ خط عربی و انواع و ادوات آن آمده است. مؤلف بخش دوم را به بحث در پیرامون صنعت کتابت و ادوات، آداب، رسوم، قواعد و اصول آن و نیز تاریخ دیوان‌ها در میان عرب‌ها اختصاص داده است و در بخش

سوم از خراج و اموال و نیز اصول مکاتبه بین سرداران و عمال و دوستان سخن رانده و کتاب را با پاره‌ای از مباحث لغوی و نکات صرفی و املائی‌ای که برای هر کتاب اهمیت دارد، پایان برده است ...

۷۴. معجم الادیاء، ج ۱، ص ۲۷۲؛ الفهرست، ص ۹۰؛ الوفیات، ج ۱، ص ۴۷ و ۴۸؛ الهدیه، ج ۵، ص ۵. در کتاب الهدیه نامی از کتاب الوزراء نیامده است.

۷۵. الفهرست، ص ۱۶۵؛ هدیه العارفین، ج ۶، ص ۳۴؛ بروکلیمان، ج ۳، ص ۱۳۸.

۷۶. الفهرست، ص ۸۲؛ معجم الادیاء، ج ۱۸، ص ۳۱۴؛ انباه الرواة، ج ۳، ص ۲۰۸؛ کشف الظنون، ج ۱، ص ۴۸؛ بروکلیمان، ج ۳، ص ۱۳۸.

۷۷. الفهرست، ص ۱۳۹ و ۱۴۰؛ الوفیات، ج ۵، ص ۱۱۳-۱۱۸؛ انباه الرواة، ج ۱، ص ۲۱۱-۲۱۷؛ بروکلیمان، ج ۴، ص ۳۳۰؛ الاصلام، ج ۶، ص ۲۷۳.

۷۸. الفهرست، ص ۱۵۳؛ هدیه العارفین، ج ۶، ص ۳۶، در این منبع نام کتاب به اشتباه الایین فی المقالات آمده است (آئین: دستور، قانون). جهانی احمد بن محمد نصر ابو عبدالله، وزیر نصر بن احمد سامانی در خراسان بوده و تألیفاتی در زمینه کتابت و ... داشته است، نیز ر. ک: به بروکلیمان، ج ۴، ص ۲۴۴.

۷۹. الفهرست، ص ۱۶۷ (نام کتاب در الفهرست مراسلات الاخوان و محایات الاخوان آمده است)؛ معجم الادیاء، ج ۱۵، ص ۹۵؛ هدیه العارفین، ج ۵، ص ۶۷۸ (در معجم و هدیه نام کتاب محاورات الخلان درج شده است). علی بن مهدی کسروی (ابوالحسین بغدادی) ادیب و حافظ بوده و معلم فرزندان خواص و صاحب برخی تصنیفات.

۸۰. معجم الادیاء، ج ۱۱، ص ۲۶۳؛ هدیه العارفین، ج ۵، ص ۴۸ (در این منبع فقط رساله الفرق بین المترسل و الشاعر آمده است).

۸۱. این کتاب با تحقیق سقا، ایبیری و شلیبی در قاهره (۱۹۳۸) به چاپ رسیده است. نیز صاوی در همین سال این کتاب را طبع کرده. بروکلیمان (ج ۲، ص ۵۵) نیز از چاپ این کتاب در لایپزیک (۱۹۲۶) به دست فون موجیک گزارش داده است. در مورد جهشباری ر. ک: الفهرست، ص ۱۴۱؛ هدیه العارفین، ج ۶، ص ۳۴؛ سزگین، ۱۷۵/۲/۱.

۸۲. الفهرست، ص ۱۴۶؛ معجم الادیاء، ج ۱۸، ص ۳۰؛ هدیه العارفین، ج ۶، ص ۳۸؛ سزگین، ج ۲/۱، ص ۲۷۸.

۸۳. الفهرست، ص ۱۴۲؛ هدیه العارفین، ج ۵، ص ۶۷۸.

۸۴. صولی در اخبار الشعراء المحمدین، ص ۲۰۶ از کتاب الوزراء یاد کرده است و نیز الفهرست، ص ۱۶۸؛ الوفیات، ج ۱، ص ۴۵ و ج ۴، ص ۳۵۶؛ کشف الظنون، ص ۴۸.

به اختصار نگارش یافته، اما پس از تغییرات و زیادات دیگر در قالب کتابی تازه ارائه شده است، در ادامه گفته است که این کتاب از کتب رایج بین خواص و عوام است و شامل معلوماتی از علوم و آداب و مکاتباتی می شود که هر اهل ادیبی از آن بی نیاز نخواهد بود.<sup>۹۱</sup> کتاب شامل دوازده باب می شود و هر کدام دارای چندین فصل که جمع فصول به ۱۱۳ فصل می رسد و بیشترین مطالب آن شامل قواعد خط و املا و ادوات کتابت و آداب و رسوم آن می شود. اما کتاب از نکات نقدی مهم و درخور توجه، خالی است و چنین به نظر می رسد که مؤلف در صدد بیان برخی امور ظاهری و صوری ای که هر نویسنده نیازمند آن است بوده است و در جایی از کتاب، وعده نگارش کتاب دیگری را در همین فن کتابت و اصول و قواعد آن داده است.<sup>۹۲</sup> ... و مانمی دانیم که آیا این کتاب تألیف یافته یا نه؟

۸۴ و ۸۵. کتاب الاختیار من الرسائل و کتاب فقر البلاغ از احمد بن سعید الاصبهانی (۳۵۰ ق).<sup>۹۳</sup> یاقوت در مورد کتاب اول گفته که مانند آن کتابی تألیف نیافته بود.<sup>۹۴</sup> ابن صابی نیز در باره کتاب دوم آورده: «از احمد بن سعید اصبهانی کتابی یافتیم که آن را تصنیف کرده و به نام فقر البلاغ، ترجمه کرده بود، در آن، فصولی را ترتیب داده که از آثار مترسلین متقدم اخذ و اقتباس یافته بود و مطالبی را نیز از خودش به آنها الحاق کرده بود».<sup>۹۵</sup> ۸۶. کتاب کنز الکتاب از کشاجم (۳۵۰ ق).<sup>۹۶</sup> قلقشندی در تألیف صبح الاعشی از این کتاب بهره برده و بسیار به آن اشاره و ارجاع داده است. از خلال همین ارجاعات می توان دریافت

۸۵. جواهر الالفاظ، ص ۱.
۸۶. معجم الادباء، ج ۴، ص ۲۲۸؛ الوفيات، ج ۱، ص ۹۹؛ صبح الاحشی، ج ۲، ص ۳۲۵ و ج ۶، ص ۳۳۴.
۸۷. صناعة الکتاب، ص ۱۱۹.
۸۸. الفهرست، ص ۱۵۲؛ الاعلام، ج ۱، ص ۱۶۷.
۸۹. هدیة المارین، ج ۷، ص ۴۰.
۹۰. ابن ندیم در فهرست، ص ۶۸ این کتاب را ادب الکتاب المتمم درج کرده.
۹۱. کتاب الکتاب، ص ۶ (طبع دوم شیخو) و ص ۱۵ (طبع سامرائی).
۹۲. همان، ص ۱۰۰ (طبع دوم شیخو) و ص ۱۶۰ (طبع سامرائی).
۹۳. معجم الادباء، ج ۳، ص ۳۸؛ هدیة المارین، ج ۵، ص ۶۳؛ غرر البلاغ، ص ۶۹.
۹۴. معجم الادباء، ج ۳، ص ۳۸.
۹۵. غرر البلاغ، ص ۶۹؛ الوفيات، ج ۶، ص ۱۰۱؛ بروکلمان، ج ۶، ص ۳۵.
۹۶. صبح الاحشی، ج ۱، ص ۱۵۴-۱۶۲-۱۶۳ و ... صاحب فهرست در ص ۱۵۴ کتاب الرسائل را از او دانسته است. کشاجم همان ابو الفتح محمود بن حسین از رمله فلسطین، شاعری توانا بوده و در خدمت سیف الدوله بوده است. لفظ «کشاجم» برگرفته از اول اسامی علمی است که در آن، فرد تبصر داشته: کاف از کاتب، شین از شاعر، الف از ادیب، جیم از جدل و میم از منطق ر. ک: الفهرست، ص ۱۵۴؛ شذرات الذهب، ج ۳، ص ۳۷؛ بروکلمان، ج ۲، ص ۷۷.

- ۷۵-۷۸. کتاب جواهر الالفاظ (مطبوع) و کتاب الخراج و صنعة الكتابة (بخشی از آن به چاپ رسیده) و کتاب سر البلاغة فی الكتابة ورسالة النجم الثاقب از قدامه بن جعفر (۳۳۷ ق).
- این آثار به طور کامل به ما نرسیده است جز جواهر الالفاظ که تحقیق و انتشار آن به دست محمد محیی الدین عبدالحمید به سال ۱۹۳۲ م به انجام رسیده است. این کتاب از کتب وازگان گلچین و مفاهیم کتابی/ کتابت است و براساس روشی مشخص و تحقیق شده، تألیف یافته است. مؤلف درباره محدودده موضوع در مقدمه اش چنین آورده: «این کتاب شامل معانی همسان و هماهنگ و ابوابی است که شامل حروف مسجع و کنایه دار و هموزن و ریشه و متناسب المعانی می باشد، به نحوی که چشمان را خیره و اشکان هوشمندان و عقلا را جاری می سازد».<sup>۸۵</sup>
- ۷۹-۸۰. کتاب ادب الکتاب و کتاب صناعة الکتاب (مطبوع) از ابو جعفر النحاس (۳۳۸ ق). برخی از مؤلفین، این دو کتاب را با هم ذکر می کنند و برخی دیگر فقط به ذکر یکی از آنها بسنده می کنند.<sup>۸۶</sup> شاید این دو، دو عنوان برای یک کتاب باشند یعنی همان صناعة الکتاب که به ما رسیده است، چنان که مصحح این کتاب دکتر بدر احمد ضیف نیز همین نظریه را ترجیح داده است.<sup>۸۷</sup>
- نحاس کتاب را به ده رتبه تقسیم بندی کرده است، نیمی از آن را به مباحثی در مورد اصطلاحات کتابت و موضوعات نحوی اختصاص داده و در نیمه دوم پیرامون بلاغت، سخنوری، خطابه، فضل کتابت و پاره ای از خلط های نویسندگان در امور لغوی سخن رانده است. به علاوه بابتی را به این مراتب الحاق نموده و در آن مباحثی را در زمینه لغت، نحو، صرف، خط و آنچه با وسایل و علم و آداب کاتب و کتابت ارتباط می یابد آورده است [ ... ].
۸۱. ادب الکاتب از الابهری الاصبهانی (۳۳۸ ق).<sup>۸۸</sup>
۸۲. صناعة الکتاب، اثر ابونصر الفارابی (۳۳۹ ق).<sup>۸۹</sup>
۸۳. کتاب الکتاب<sup>۹۰</sup> از ابن درستویه (۳۴۷ ق). از آثاری است که به دست ما رسیده است. تصحیح و نشر آن به دست «لویس شیخو» در بیروت (۱۹۲۱) صورت گرفت و تصحیح و انتشار مجدد آن را دکتر سامرائی و فتلی در سال ۱۹۷۷ در کویت به انجام رسانیدند. مؤلف در مقدمه آورده که کتاب در وهله اول



کرد ویژگی و خصوصیت لغوی در آن غالب است. نیز اشاره می‌کند کتاب شامل برخی از اضدادی است که نویسندگان به جهت استحسان، آنها را برمی‌گزینند ...

۸۷ و ۸۸. کتاب صناعة البلاغة و کتاب النثر الموصول بالنظم از خشکناجه علی بن وصیف الکاتب (حدود ۳۵۰ق).<sup>۹۷</sup> این ندیم در الفهرست به این دو کتاب اشاره کرده و به بیان او، مؤلف دوست و همدمش بوده است.<sup>۹۸</sup> آن‌گاه ابن ندیم بلافاصله از فرزند خشکناجه به نام احمد بن علی بن وصیف (۳۷۰ق) نام می‌برد و<sup>۹۹</sup> این دو کتاب را به او نسبت می‌دهد چنان که کتاب سومی هم به نام کتاب الفوائد را که قبلاً جزو مؤلفات پدر بوده به او منسوب کرده است. چنین به نظر می‌رسد فرزند خشکناجه این کتاب‌ها را از پدرش روایت کرده باشد و ابن ندیم نیز بنا بر شیوه قدما آنها را به فرزند او منسوب کرده و پاره‌ای از مؤلفین نیز پس از ابن ندیم این دو کتاب را به هر دو نسبت داده‌اند.<sup>۱۰۰</sup>

۸۹. کتاب الرسائل، اثر ابراهیم بن عیسی النصرانی (حدود ۳۵۰ق).<sup>۱۰۱</sup>

۹۰ و ۹۱. کتاب جواب المعنت فی کتابه اخبار الوزراء، اثر ابن الماشطة (حدود ۳۵۰ق).<sup>۱۰۲</sup>

۹۲. کتاب تهذیب البلاغة از ابن البازيار (۳۵۲ق).<sup>۱۰۳</sup>

۹۳. کتاب مناقب الکتاب، اثر ابوبکر الاهوازی (۳۵۲ق).<sup>۱۰۴</sup>

۹۴. کتاب المذهب فی البلاغات از ابوالفضل بن العمید (۳۵۹ق).<sup>۱۰۵</sup>

۹۵. کتاب الوزراء، اثر ابو عبدالله الرازی (۳۶۱ق).<sup>۱۰۶</sup>

۹۶. کتاب انشاء الرسائل والکتب از ابوبکر الشیرازی (پس از ۳۶۴ق).<sup>۱۰۷</sup>

۹۷. رسالة فی تفضیل النثر علی النظم، اثر ابواسحق

الصهابی (۳۸۴ق). توحیدی در المقابسة (ص ۵) از آن یاد کرده

است. شاید این همان رساله‌ای است که دکتر هدلق در کتاب

النادی الادبی در جده به شماره ۵۹ (سال ۱۹۸۸) با عنوان

«الفرق بین المترسل والشاعر» در چهار صفحه انتشار داده و در

شماره ۶۸ همین مقاله با این عنوان از آن یاد شد.

۹۸. کتاب البراعة از علی بن نصر البغدادی (۳۷۶ق).<sup>۱۰۸</sup>

۹۹. کتاب الشوارد فی الرسائل، اثر حکمویه بن عبدوس.

این ندیم در فهرست از آن یاد کرده است.<sup>۱۰۹</sup>

۱۰۰. کتاب عیون الکاتب، اثر الحاتمی (۳۸۸ق).<sup>۱۱۰</sup>

۱۰۱ و ۱۰۲. کتاب الکافی فی الرسائل و کتاب الوزراء از

الصاحب ابن عباد (۳۸۵ق).<sup>۱۱۱</sup>

۱۰۳. کتاب الکتاب، اثر ابن الحرون (۳۹۰ق).<sup>۱۱۲</sup>

۱۰۴. کتاب الوزراء از المطوق علی بن الفتح (حدود ۳۹۰ق).

این ندیم آورده: «آن کتاب تا مطالب کتاب محمد بن داوود بن جراح رسیده و تا روزگار کلوذانی ادامه یافته است».<sup>۱۱۳</sup>

۱۰۵. متخیر الالفاظ، اثر احمد بن فارس (۱۹۵ق). از

کتاب‌هایی است که به آن دست یافته‌ام. تحقیق و نشر آن را هلال

ناجی در بغداد به سال ۱۹۷۰ به انجام رسانید. مؤلف در آن، شیوه

کار مؤلفین گذشته را همچو عتابی همدانی و قدما و غیره دنبال کرده

و صرفاً به واژگان کتابی اکتفا ننموده است، بلکه الفاظ شعری را نیز

جمع‌آوری کرده و آنها را بر حسب معانی در ۱۱۴ باب ترتیب داده

۹۷. الفهرست، ص ۱۵۴. خشکناجه علی بن وصیف - کاتب و شاعر - از

اهل بغداد بوده و بیشترین اقامت او در رقه بوده و سپس به موصل نقل

مکان کرده است.

۹۸. الفهرست، ص ۱۵۴.

۹۹. همان، ص ۱۵۵.

۱۰۰. معجم الادباء، ج ۳، ص ۲۴۵؛ هدیه العارفین، ج ۵، ص ۶۶.

۱۰۱. الفهرست، ص ۱۴۵؛ هدیه العارفین، ج ۵، ص ۷.

۱۰۲. الفهرست، ص ۱۵۰؛ معجم الادباء، ج ۱۳، ص ۱۵؛ هدیه العارفین،

ج ۵، ص ۶۸۰.

۱۰۳. الفهرست، ص ۱۴۶؛ معجم الادباء، ج ۵، ص ۸۰؛ هدیه العارفین،

ج ۵، ص ۶۴؛ بروکلان، ج ۴، ص ۲۰۵.

۱۰۴. الفهرست، ص ۱۵۵؛ معجم الادباء، ج ۴، ص ۱۴۴؛ هدیه العارفین،

ج ۵، ص ۶۴.

۱۰۵. الفهرست، ص ۱۴۹؛ یتیمه الدهر، ج ۳، ص ۱۵۴-۱۸۸؛ بروکلان،

ج ۲، ص ۱۱۹؛ الاعلام، ج ۶، ص ۹۸.

۱۰۶. هدیه العارفین، ج ۶، ص ۴۷.

۱۰۷. الفهرست، ص ۱۷۱؛ یتیمه الدهر، ج ۳، ص ۴۱۷.

۱۰۸. الفهرست، ص ۱۴۵؛ هدیه العارفین، ج ۵، ص ۶۸۲.

۱۰۹. الفهرست، ص ۱۵۴. این ندیم گفته که حکمویه از نواحی (جبل)

است و چیز دیگری از او نمی‌دانیم، اما شک نیست که تألیف حکمویه

قبل از تألیف الفهرست این ندیم بوده است.

۱۱۰. معجم الادباء، ج ۱۸، ص ۱۵۶؛ انباه الرواة، ج ۳، ص ۱۰۴.

۱۱۱. الفهرست، ص ۱۵۰؛ معجم الادباء، ج ۶، ص ۳۶۰؛ هدیه العارفین،

ج ۵، ص ۲۰۶؛ الوفیات، ج ۱، ص ۲۲۰؛ یتیمه الدهر، ج ۳،

ص ۱۸۸-۲۸۶.

۱۱۲. الفهرست، ص ۱۶۵؛ معجم الادباء، ج ۷، ص ۱۳۴؛ هدیه العارفین،

ج ۶، ص ۵۷.

۱۱۳. الفهرست، ص ۱۴۳؛ هدیه العارفین، ج ۵، ص ۲۸۶.

است. غور و نظر کرده و دریافته است که در رسائل قابوس [وشمگیر] فوننی است که در آثار سایر نویسندگان بروز نیافته است، لذا چهارده نوع از انواع سجع - که مبتکر آن قابوس بوده - را به انواع قبلی اضافه می نماید... پس از این مقدمه طویل، مختاراتی متنوع از رسائل اخوانی قابوس در اغراض مختلف عرضه می دارد؛ با این بیان، گزارشی مفصل از ویژگی نثر پیچیده و مکلف در اواخر قرن چهارم را به دست می دهد به نحوی که ناقدان پس از وی به این منبع به عنوان معیاری اساسی در نقدها و تحقیقات خود تکیه کردند و در جهت گیری نقد به سمت نقد بلاغی مؤثر واقع شد که تأثیر روشن این جهت گیری را در تعدادی از آثار تألیف یافته در نقد شعر و نثر یا همان (صناعتین) می توان جستجو کرد؛ مهمترین این آثار بدین قرارند:

کتاب البرهان فی وجوه البیان، اثر اسحق بن وهب (حدود ۳۵۰ق) از آثار چاپ شده است. ترسل و کتابت را در بسیاری از صفحات کتاب بررسی کرده و حدود و مفاهیم و انواع و وظایف و نقد اسالیب هر یک را بیان داشته است...

کتاب صنعة الشعر والبلاغة از ابوسعید السیرافی (۳۶۸ق).<sup>۱۱۱</sup>  
کتاب الصناعتين، اثر ابوهلال العسکری (مدود ۳۹۵ق) از مهمترین کتاب هایی است که فن ترسل و کتاب را بر پایه بررسی های وسیع انتقاد... در آن بر اصول بلاغی ای تأکید کرده است که در نقد متون ادبی اساسی اند. تصحیح علمی کتاب و نشر آن را استادان بجاوی و ابوالفضل ابراهیم در قاهره (۱۹۵۲م) به انجام رسانیده اند.

به این آثار اضافه کنید کتاب مجمع البلاغة اثر راغب اصفهانی را که دکتر عمر عبدالرحمن الساریسی آن را تصحیح و در سال ۱۹۸۶ در قالب دو جلد در اردن به چاپ رسانده است.



۱۱۴. متخیر الالفاظ، ص ۴۵.

۱۱۵. همان، ص ۱۴۷.

۱۱۶. معجم الادباء، ج ۱۷، ص ۱۲۷.

۱۱۷. همان، ج ۱، ص ۱۲۴ و ۱۲۵ و ج ۳، ص ۸۶ و ج ۵، ص ۲۸۲ و ج ۶، ص ۶۹-۷۱ (طبع مرگلیوت) و ج ۳، ص ۲۷ و ۲۸ و ج ۱۴، ص ۷۶ و ج ۱۶، ص ۹۷ و ۹۸ (طبع رفاعی).

۱۱۸. معجم الادباء، ج ۴، ص ۱۳۵؛ هدیة العارفین، ج ۵، ص ۷۲؛ بیمة الدر، ج ۴، ص ۴۳۹.

۱۱۹. صبح الاعشی، ج ۱، ص ۵۳؛ الفهرست، ص ۱۴۹؛ الاعلام، ج ۴، ص ۳۰۰ و ۱۲.

۱۲۰. بیمة الدر، ج ۴، ص ۳۹۷؛ هدیة العارفین، ج ۶، ص ۶۸؛ الاعلام، ج ۶، ص ۱۸۴؛ بروکلان، ج ۶، ص ۱.

۱۲۱. الفهرست، ص ۶۸؛ وفيات، ج ۲، ص ۷۸؛ معجم الادباء، ج ۸، ص ۱۵۰؛ بروکلان، ج ۲، ص ۱۸۷.

است. آغاز آن با باب «متخیر الفاظ العرب فی الکلام و البلاغة»<sup>۱۱۴</sup> شروع و با باب «الالفاظ المفردة المستحسنة»<sup>۱۱۵</sup> پایان می یابد. در مقدمه به شیوه گزینش الفاظ و تعابیر اشاره کرده و آرای خود را در مورد لغت متن ادبی - شعر و نثر - بیان داشته است...

۱۰۶. تحفة الکتاب فی الرسائل از ابوالحسن المغربي (۴۰۰ق).<sup>۱۱۶</sup>

۱۰۷ و ۱۰۸. اخلاق الوزیرین (مطبوع) و تقریظ الجاحظ، اثر ابوحیان التوحیدی (حدود ۴۰۰ق). کتاب اول به طور کامل به دست ما رسیده است. تحقیق و انتشار آن را دکتر ابراهیم کیلانی در دمشق به سال ۱۹۶۱م سامان رسانده با عنوان مثالب الوزیرین و اعاده تحقیق این کتاب به دست محمد بن تاویت در دمشق (سال ۱۹۶۵م) به انجام رسیده است. اما بخش هایی از کتاب تقریظ الجاحظ را یاقوت در شرح حال ابوحنیفه دنیوی و ابوسعید سیرافی و علی بن عیسی رمانی و جاحظ نقل کرده است.<sup>۱۱۷</sup> این دو کتاب نمایان گر رویکرد نقدی ای است که به صورت آشکار در بیشترین آثار ابوحیان نمایان است و در نقد شخصی ای که از خلال آن، ویژگی تکوین فرهنگی و علمی او و حالات روحی اش و تمایل او به تقریظ و مدح یا عیب جویی و ذم رخ می نماید، تجلی یافته است [...]. به این کتاب های تألیف یافته در دو قرن سوم و چهارم مجموعه کتاب هایی الحاق می شوند که مؤلفین آنها بیشترین ایام زندگانی خود را در قرن چهارم سپری کرده و بیشترین آثارشان را در آن ایام نگاشته اند، از جمله این آثار به موارد ذیل می توان اشاره نمود:

- کتاب ادب الکتاب و کتاب طبقات البلغاء از احمد بن محمد بن یوسف الاصبهانی (۴۲۰ق). یاقوت در مورد کتاب دوم آورده: «ولم یسبق الی مثله».<sup>۱۱۸</sup>

- ذخیره الکتاب از علی بن عبدالعزیز (۴۲۳ق).<sup>۱۱۹</sup>

- کتاب لطائف الکتاب، اثر العتبی (۴۱۳ق).<sup>۱۲۰</sup>

- کتاب کمال البلاغة (مطبوع) از عبدالرحمن بن علی الیزدادی (از معاصران قابوس بن وشمگیر) (۴۰۳ق). از مهمترین آثاری است در فن ترسل و کتابت که به ما رسیده است. تصحیح و نشر آن را محب الدین خطیب در سال ۱۳۴۱ق در قاهره عملی کرده است. نسخه کامل تری از این کتاب را در کتابخانه ظاهریه [دمشق] مشاهده کردم که زیادتی بر آن کتاب چاپ شده داشت.

این کتاب از کتب نقد تطبیقی ای است که بر متن ادبی به طور مستقیم تکیه کرده است. مؤلف، مقدمه نقدی طویلی بر آن کتاب نگاشته و در آن به انگیزه های تألیف اشاره کرده است و در آن جا آورده که او در برخی از کتب قدماة بن جعفر - که ویژه نقد رسائل برخی نویسندگان و بررسی فنون بلاغت و بدیع در آن رسائل